

## بازیگران اصلی در میدان اقتصاد

### فصل دوم



امروز صبح وقتی پیراهنتان را پوشیدید تا به مدرسه بیایید، بعید است به این فکر کرده باشید که چه فرایندی در اقتصاد طی شده تا این پیراهن تولید شده و به دست شما برسد! در واقع بارها و بارها در مراحل تولید پیراهن به سه سؤال اصلی اقتصاد، پاسخ داده شده است تا این لباس‌ها به اینجا رسیده‌اند. این سه سؤال اصلی عبارت‌اند از: چه چیزی، چگونه و برای چه کسی تولید می‌شود؟ مثلاً قبل از اینکه پیراهن شما آماده شود، کسی در یکی از مزارع پنبه با این سؤال روبه‌رو بوده است که چه چیزی تولید کند؟ شاید او بین پنبه، چغندر قند و گندم باید انتخاب می‌کرده است. بعد از این کشاورز باید به این سؤال پاسخ می‌داده است که چگونه و برای چه کسی باید آن را تولید کند؟ بعد از اینکه پنبه به شرکت تولید نخ و بعد تولید پارچه هم فروخته شده مرتب همین سه سؤال مطرح شده و به آن پاسخ داده شده است تا اینکه امروز این پیراهن با این طرح و رنگ به تن شما نشست است.

در فصل پیش هنگامی که راجع به اصول انتخاب گفت‌وگو می‌کردیم، در واقع راجع به یکی از این سؤالات اقتصادی فکر می‌کردیم. هر پاسخی که به این سؤال‌ها بدهیم، اهداف تخصیص را در اقتصاد روشن می‌کند. الگوی مرز امکانات تولید که در فصل پیش آموختید، در واقع ابزاری برای تمرین تخصیص منابع با توجه به اهداف اقتصادی بود، اما سؤالی که در این فصل به آن پاسخ می‌دهیم، آن است که چه کسانی در میدان تخصیص منابع، نقش آفرینی می‌کنند. بازیگران میدان فعالیت‌های اقتصادی چه کسانی هستند و پرسش‌های سه‌گانه مطرح شده، با این بازیگران، چه پاسخ‌هایی خواهند داشت؟



## موقعیت



امیرعلی با بی حوصلگی تمام از اتاق خارج شد. در یخچال را باز کرد و نگاهی درون آن انداخت و لب‌هایش را به نشانه بی میلی خم کرد و در را بست. پیش آمد و کنترل تلویزیون را برداشت و شروع کرد به عوض کردن شبکه‌ها و چند بار بی هدف، تمام شبکه‌ها را مرور کرد. مادر از دیدن این وضعیت ناراحت شد و گفت:

آقا پسر شما تکلیفی، درسی، چیزی نداری که این طوری ولو شدی جلوی تلویزیون؟

امیرعلی (با بی حوصلگی): چرا ولی اصلاً نمی‌تونم، حسش نیست!

مادر: از خواهرت یاد بگیر! نشسته سر کارش تا تموم شه!

هنوز حرف مادر تمام نشده بود که سر و کله ستایش هم پیدا شد.

ستایش: من هم واقعاً حوصله حل تمرین‌ها را نداشتم، توی اتاق داشتم طراحی می‌کردم که شما فکر نکنین من به کارام نمی‌رسم.

امیرعلی (با اشاره ابرو): بفرمایین مامان، اینم سوگلیتون! نشسته کاغذ سیاه می‌کنه.

مامان: ببینم! قضیه چیه که هر دو تا تون این قدر بی حوصله شدین؟

ستایش: معلم ریاضی ما یه تحقیق برای درس آمار داده، معلم امیرعلی هم شبیه همین تحقیق رو به اونا داده! من که اصلاً نمی‌دونم چی کارش باید بکنم!

امیرعلی: آخه آمار هم شد درس؟

ستایش: حالا جلوی مامان نگو دیگه. مثل اینکه یادت رفته رشته مامان همینه‌ها!

امیرعلی با شنیدن این جمله چشمانش برق زد و با چشم به خواهرش اشاره کرد که دنبالش برود و هر دو به اتاقشان رفتند و بعد از چند دقیقه خوشحال از اتاق بیرون آمدند.

مادر: معلومه شما دو تا چی کار می‌کنین؟

ستایش (درحالی که تلاش می کرد از ظرفیت های زبان یک دختر، تمام استفاده را بکند): مامان جونم که عشق منی! می شه یه خواهشی بکنم؟

مادر: من شماهارو بزرگ کردم دختر، حرف آخر تو بزنی.

امیرعلی: خب شما آمار خوندین دیگه، می شه ...

مادر: باید چند صفحه بشه تحقیقتون؟

ستایش: الهی من فدای شما بشم که این قدر زود متوجه می شین!

امیرعلی: زیر ۱۰ صفحه نباید باشه!

مادر: من قبول می کنم ولی به چند شرط! اول اینکه بابت هر صفحه پول می گیرم، دوم اینکه کامل نمی نویسم و نتیجه گیری و جمع بندی آخرشو خودتون باید بنویسین و سوم اینکه من یه کمی کار خونگی دارم که باید انجام بشه.

ستایش: چه سخت شد! خب حالا صفحه ای چند؟

امیرعلی: به نظرم پیشنهاد خوبیه، ما یه چیزی می خواهیم که شما می تونین برامون درستش کنین، شما هم نیروی کار می خوائین که ما هستیم. اما حالا که شما پول می گیرین ما هم پول می گیریم.

مادر: قبوله، این می تونه یک بازی جذاب باشه! من با شما ساعتی حساب می کنم. از شما هم بابت هر صفحه پول می گیرم!

ستایش (در حالی که لبخندی به لب داشت): می شه جواب منو هم بدین، صفحه ای چند؟ ساعتی چند؟

## گفت و گو در کلاس



- ۱- به نظر شما چه وقت هر دو طرف یک معامله به خواسته های خودشان می رسند؟
- ۲- دست کدام یک از طرفین برای تحمیل قیمت پیشنهادی خود بازتر است؟
- ۳- نهایتاً قیمت پیشنهادی چگونه تعیین می شود؟

## نقشه راه

ما در این درس به دنبال آن هستیم تا با بررسی رفتار متقابل خانوارها و بنگاه ها دریابیم که دو بازیگر اصلی اقتصاد این دو هستند که از طریق همین بده - بستان های بین خود، قیمت و مقدار کالا و خدمات را تعیین می کنند. در نهایت نیز بتوانیم:

- ارتباط میان فروشندگان و خریداران را در اقتصاد به خوبی توضیح دهیم؛
- مقدار و قیمت تعادلی را در بازار محاسبه کنیم.

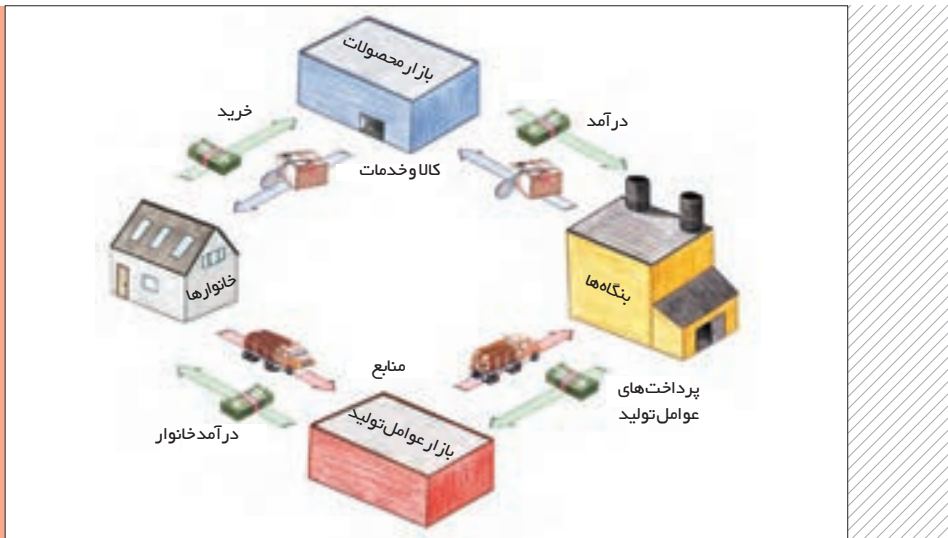
## طرح مسئله

دو گروه از مهم‌ترین تصمیم‌گیرندگان و بازیگران در اقتصاد، خانوارها و بنگاه‌ها هستند. خانوارها در دو حالت در اقتصاد مشارکت می‌کنند:

- ۱- خانوارها کالاها و خدمات مورد نیاز را از کسب و کارها خریداری می‌کنند.
  - ۲- خانوارها زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی را برای تولید کالاها و خدمات ارائه می‌کنند.
- در اقتصاد، «بنگاه» همان چیزی است که مردم معمولاً آن را به عنوان یک کسب و کار می‌شناسند. در درس‌های قبل درباره انواع کسب و کارها مطالبی فراگرفتید. مؤسسات کسب و کارها یا همان بنگاه‌ها می‌توانند شامل مزارع کشاورزی، فروشگاه‌ها، کسب و کارهای خویش‌فرمایی مثل پیرایشگری، نقشه‌کشی و معماری ساختمان یا شرکت‌ها و کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی باشند. برای تولید کالاها و خدمات، این بنگاه‌ها باید از خانوارها منابع را خریداری یا اجاره کنند. مثلاً یک رستوران زنجیره‌ای، زمانی که افرادی را استخدام می‌کند، نیروی کار از خانوارها اجاره می‌کند.

## جریان چرخشی ساده

همان‌گونه که خانوارها کالاها و خدمات را از بنگاه‌ها خریداری می‌کنند یا بنگاه‌ها، منابع را از خانوارها اجاره یا خریداری می‌کنند، رابطه داد و ستد شکل می‌گیرد. نمودار زیر جریان چرخشی، تعاملات بین بازیگران کلیدی را نشان می‌دهد.



نیمه بالایی نمودار تبادل تولیدات را در بازار کالاها و خدمات نشان می‌دهد.

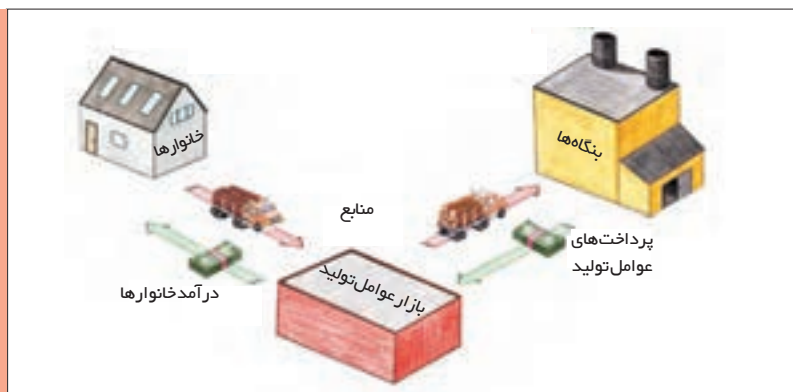
شاید این سؤال به ذهن‌تان برسد که بازار چیست؟ بازار معنای خاصی در اقتصاد دارد؛ بازار به مجموعه خریداران و فروشندگان چیزی در هرجای ممکن اطلاق می‌شود. مبادلات در بازار ممکن است حضوری و حقیقی نباشد و به صورت مجازی و در اینترنت صورت گیرد. شما ممکن است با تلفن و پشت میز سفارش دهید و یا با شبکه اینترنت، خرید اینترنتی کنید.

در بازار کالاها و خدمات، خانوارها خریدار و بنگاه‌ها فروشنده‌اند. پیکان‌های آبی در نمودار صفحه قبل، جریان کالاها و خدمات را از بنگاه‌ها به خانوارها در بازارهای کالا و خدمات نشان می‌دهند. همان طور که پیکان‌های سبز نشان می‌دهد، پرداخت پول بابت کالا و خدمات خریداری شده در جهت مخالف جریان کالا و خدمات جریان می‌یابد. این پول با عبور از بازار کالا و خدمات به عنوان درآمد بنگاه دریافت می‌شود.

## فعالیت گروهی در کلاس



درباره بازار منابع تولید (جریانات نیمه پایینی نمودار) در گروه خود بررسی کنید. چه چیزهایی مورد نیاز هر کدام از طرفین است و در کدام بخش بازار در حال مبادله است؟ سپس نتایج خود را در کنار پیکان‌ها یادداشت کنید و جدول زیر را کامل کنید.



پرداخت‌هایی که بابت خرید منابع تولید به خانوارها پرداخت می‌شود.

ردیف	عنوان	علت
۱	دستمزد	دریافتی خانوارها بابت فروش نیروی کار
۲	....	.....
۳	....	.....

## بررسی بازار

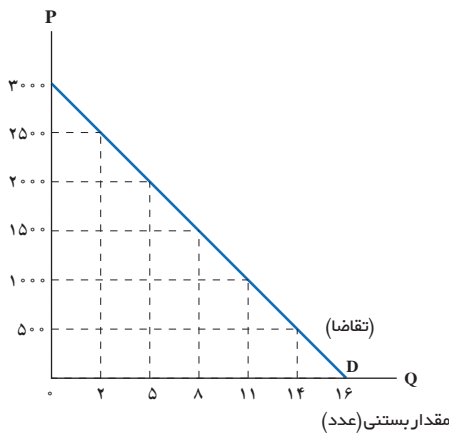
حال که با جریان چرخشی میان بازیگران اصلی اقتصاد و داد و ستد میان آنها آشنا شدیم، باید به بررسی دقیق‌تر بازار بپردازیم و بررسی کنیم که در بازار چه کسانی حضور دارند و چگونه تصمیم‌گیری می‌کنند. به مجموعه خریداران (تقاضاکنندگان یا همان خانوارها) و فروشندگان (عرضه‌کنندگان یا همان بنگاه‌ها) هر چیزی در هر جایی «بازار» گفته می‌شود. بنابراین بازار دو بخش دارد: تقاضاکنندگان و عرضه‌کنندگان.

### الف) خریداران یا تقاضاکنندگان و فرایند تصمیم‌گیری آنها

خریداران، خانوارهایی هستند که تقاضاکننده کالاها و خدمات‌اند و نسبت به مشاهده تغییر شرایط بازار تصمیمات متفاوتی می‌گیرند. برای اینکه بتوانیم ساده‌تر مفاهیم را بیاموزیم، تغییر شرایط بازار را یک به یک در نظر می‌گیریم.

تصور کنید بعد از ظهرهای گرم تابستان برای خانواده بستنی می‌خرید تا با خنکای مصرف آن گرما را تحمل‌پذیرتر کنید. اگر امروز که برای خرید راهی بازار شدید ببینید که قیمت آن دوبرابر شده است چه می‌کنید؟ بیشتر می‌خرید یا کمتر؟ اگر قیمت آن نصف شده باشد چه می‌کنید؟ آیا باز هم همان مقدار قبلی را می‌خرید؟ مقدار تقاضا از یک کالا با قیمت آن رابطه‌ای عکس دارد. به طوری که با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش می‌یابد و بالعکس! به این رابطه، «قانون تقاضا» می‌گویند.

قیمت بستنی (تومان)



تقاضای بستنی	قیمت بستنی
۱۶	۰
۱۴	۵۰۰
۱۱	۱۰۰۰
۸	۱۵۰۰
۵	۲۰۰۰
۲	۲۵۰۰
۰	۳۰۰۰

اگر هر کدام از دو عدد یک سطر را روی یک دستگاه مختصات پیدا کنید، نمودار بالا درست می‌شود که با وصل کردن نقاط به هم خط رو به پایینی شکل می‌گیرد. به این منحنی، منحنی تقاضا می‌گویند.

**سایر عوامل:** تصور کنید که قیمت بستنی تغییری نکرده، ولی درآمد شما دو برابر شده است. در این صورت مقدار خریدتان از بستنی چه تغییری می‌کند؟ کمتر می‌شود یا زیادتر؟ شاید هم ثابت بماند! آیا از هیچ کالایی بیشتر نمی‌خرید؟ چرا؟  
تقاضا برای یک کالا به صورت مثبت با درآمد ارتباط دارد. افزایش در درآمد سبب افزایش در مقدار تقاضا در هر قیمت می‌شود.

### کالای معمولی و پست را بشناسید!



آیا با افزایش درآمد مقدار خرید ما از همه انواع کالاها می‌تواند بیشتر شود یا در مورد برخی کالاها ممکن است حتی کمتر شود؟ مثلاً درباره خرید نوع مرغوب و پست برنج فکر کنید.



غیر از درآمد و قیمت که بر مقدار تقاضا اثرگذار است، سلیقه، انتظارات و قیمت دیگر کالاها هم می‌تواند بر مقدار تقاضا و خرید اثر بگذارد. مثلاً چیزهایی که مد می‌شوند، حتی بدون تغییر قیمت، مقدار تقاضای آنها زیادتر می‌شود یا هنگامی که پی ببرید قیمت کالایی در آینده بیشتر می‌شود، امروز ممکن است درباره خرید آن تصمیم دیگری بگیرید!

کالاهایی که با کالای مورد نظر ما مرتبط‌اند، مثلاً با هم مصرف می‌شوند یا به جای هم مصرف می‌شوند، اگر دچار تغییر قیمت شوند، روی مقدار خرید ما از کالای مورد نظرمان اثر می‌گذارد. مثلاً وقتی گوشت قرمز گران می‌شود، مردم گوشت سفید را بیشتر می‌خرند و جایگزین آن می‌کنند.

### کالاهای مکمل را بشناسید!



درباره کالاهایی که با هم مصرف می‌شوند، فکر کنید و درباره اثر تغییر قیمت یکی بر میزان خرید دیگری بحث کنید. مثلاً وقتی می‌خواهید چای بخرید، به بازار قند و شکر هم نیم‌نگاهی دارید یا وقتی خودرو می‌خرید حواستان به قیمت بنزین هم هست؛ اما چگونه؟

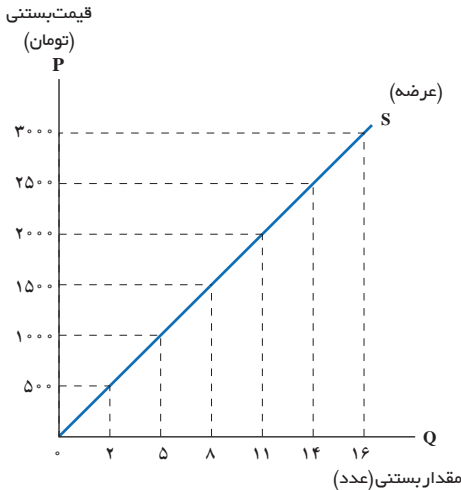


## قیمت به عنوان ابزاری برای مدیریت مصرف

سیاست گذاران معمولاً تلاش می کنند از دوراه مقدار تقاضا و مصرف سیگار را کم کنند. یکی از راه آگاه سازی مردم به زبان های کشیدن سیگار و دیگری با بالا بردن قیمت آن از طریق وضع مالیات بر سیگار. به نظر تان این دو روش به چه صورت بر مصرف سیگار مؤثرند؟

### ب) فروشندگان یا عرضه کنندگان و فرایند تصمیم گیری آنها

به سمت دیگر بازار برای بررسی رفتار فروشندگان برویم. فروشندگان که همان بنگاه های ارائه کننده کالا یا خدمات و نیز عوامل فروش آنها هستند، بازیگر دیگر میدان رقابت اقتصادی اند. اگر شما تولید کننده یا فروشنده بستنی بودید و قیمت بستنی در بازار به دلیل شروع فصل گرم سال بیشتر می شد، چه می کردید؟ کمتر بستنی تولید می کردید و می فروختید یا بیشتر؟ یا به همان مقدار سابق؟ طبق قانون عرضه، با افزایش قیمت، مقدار عرضه از هر کالا افزایش می یابد و بالعکس!



عرضه بستنی	قیمت بستنی
۰	۰
۲	۵۰۰
۵	۱۰۰۰
۸	۱۵۰۰
۱۱	۲۰۰۰
۱۴	۲۵۰۰
۱۶	۳۰۰۰

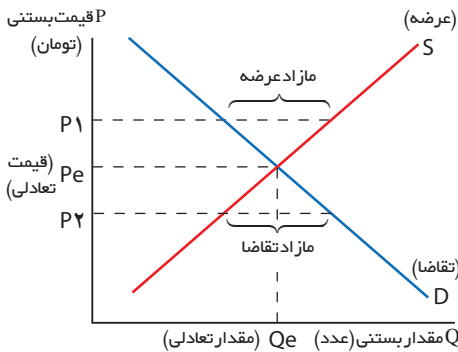
اگر هر کدام از دو عدد یک سطر را روی یک دستگاه مختصات پیدا کنیم، شکل بالا درست می شود که با وصل کردن نقاط به هم خط رو به بالایی شکل می گیرد. به این منحنی، منحنی عرضه گفته می شود.

**سایر عوامل:** تصور کنید قیمت بستنی زیاد نشده اما قیمت شیر که ماده اولیه و مهم تولید بستنی است گران تر شده است. شرایط به وجود آمده چه تأثیری بر مقدار تولید شما دارد؟ آیا اگر قیمت بستنی در بازار تغییری نکرده باشد باز هم می توانید به همان میزان قبلی بستنی تولید کنید و بفروشید؟ اگر شیر ارزان تر شود چه تأثیری دارد؟ اگر دستگاهی اختراع شود که بتواند با تعداد کارگر کمتری، بستنی تولید کند و از این جهت هزینه های تولید شما را کمتر کند؛ چه تأثیری بر مقدار تولید و عرضه می گذارد؟ ابداعات و اختراعات معمولاً با کاهش هزینه ها اثر مثبتی بر مقدار تولید و عرضه دارند.



## تبادل در بازار

رفتار عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان در بازار در مقابل هم صورت می‌گیرد و باید با هم هماهنگ باشد. به عبارت دیگر عرضه و تقاضا باید با یکدیگر در تعادل باشند. در غیر این صورت چه می‌شود؟ اگر مقدار تقاضای کالایی از مقدار عرضه آن بیشتر باشد، در بازار کمبود رخ می‌دهد و باعث بالا رفتن قیمت می‌شود؛ چرا که عده‌ای که به آن کالا مشتاق‌ترند تلاش می‌کنند با پیشنهاد قیمت بالاتر آن را به دست آورند. در مقابل وقتی مقدار عرضه بیشتر از تقاضا باشد هم مازاد رخ می‌دهد و همین سبب می‌شود برخی از تولیدکنندگان از قیمت خود کم کنند تا بتوانند با پیدا کردن مشتری کالای بیشتری را بفروشند. جدول زیر ترکیب دو جدول قبلی است. در هر قیمت ببینید در بازار چه اتفاقی می‌افتد؟ بازار در چه قیمتی به تعادل می‌رسد و در آن خبری از مازاد و کمبود نیست؟



قیمت بستنی	تقاضای بستنی	عرضه بستنی
۰	۱۶	۰
۲	۱۴	۵۰۰
۵	۱۱	۱۰۰۰
۸	۸	۱۵۰۰
۱۱	۵	۲۰۰۰
۱۴	۲	۲۵۰۰
۱۶	۰	۳۰۰۰

## بیشتر بدانیم

### انواع بازار



در بازار هر محصول، گاه تعداد فروشندگان و خریداران به قدری زیاد است که حضور و رفتار هر یک از عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان به نسبت کل بازار بسیار کوچک خواهد بود و در عمل، هیچ‌یک از طرفین به تنهایی در شکل‌گیری قیمت تأثیرگذار و به عبارت دیگر «قیمت‌گذار» نیستند. در این صورت بازار را به اصطلاح «بازار رقابتی» می‌نامند. بازار محصولاتی چون ماکارونی معمولاً رقابتی است.

گاه به دلایل طبیعی، اقتصادی، قانونی یا حتی غیرقانونی، تعداد فروشنده یا خریدار به یک یا چند نفر محدود می‌شود. این وضعیت را «انحصار» می‌گوییم. مثلاً شرکت توانیر در کشور ما، به دلیل طبیعی و شرکت‌های خودروبی به دلایل قانونی، انحصارگر در فروش کالای خود به‌شمار می‌روند. شرکت پخش و پالایش فراورده‌های نفتی از یک سو تنها خریدار و از سوی دیگر تنها فروشنده

محصولات نفتی است و خرید و فروش این کالا را در انحصار خود دارد. انحصارگر، قیمت گذار است و خریداران در بازار انحصاری قیمت پذیرند. انحصارگر غیرقانونی معمولاً با افزایش قیمت خود به مشتریان و رفاه جامعه ضرر می زند؛ بنابراین دولت باید مانع شکل گیری آن و تبانی برخی از تولیدکنندگان شود. اما انحصار طبیعی و قانونی مشروط به مواظبت و مقررات گذاری صحیح می تواند برای مصرف کننده سودمند باشد.

برخی دیگر از انواع بازارها را هم می توان در قالب حراجی ها دید که به دو صورت مزایده و مناقصه مشاهده می شود. فروشندگان آثار هنری در نمایشگاه ها و حراجی ها، مزایده و خریداران عمده کالا و خدمات مناقصه برگزار می کنند.

## درس زندگی

### بنده یک مفت خور محترم هستیم که صرفاً با قوانین بازار کار می کنیم!

من از همان جنس آدم هایی هستم که یک شبه پول دار شده اند. داستان من ساده است. با چند نفر از دوستانم که در یکی از سازمان های دولتی مشغول به کار بودند، زدوبند کردیم و با دور زدن قانون، چند ماشین لوکس وارد کردیم و تقریباً سه برابر قیمت خرید، فروختیم. البته عرض کنم، روزی که ما این کار را کردیم، دور زدن قانون ممنوع نبود، بعدها ممنوع شد! یک روز هم که از همان دوستان عزیز خبرهایی به دستم رسید که قیمت آهن آلات قرار است گران شود، مقدار زیادی آهن خریداری کردم و در یک جای بزرگ، انبار کردم و هنگامی که آهن گران شد، به قیمت روز فروختم. این هم غیرقانونی نبود؛ یک خرید و فروش معمولی بود، آن هم به قیمت بازار و کاملاً سازگار با قانون عرضه و تقاضا. فکر می کنم با این توصیف نیازی به درس خواندن نداشته باشید! حاضرم در صورت نیاز، بیشتر راهنماییتان کنم. البته اکنون از کشور متواری شده ام؛ ولی به زودی برمی گردم!

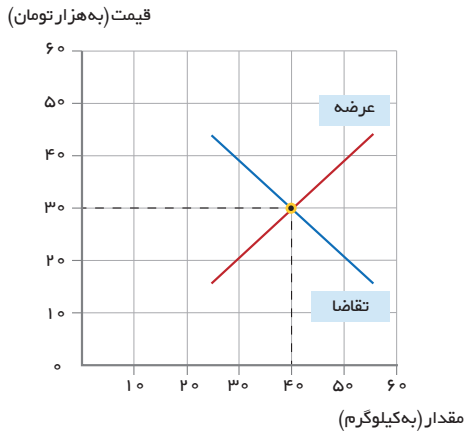
سه چیز پایدار نماند: مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست

(گلستان سعدی، باب هشتم)

## برای تفکر و تمرین



یکی از محصولات که در کارگاه آقای محمدی (شرکت ایران سبز) تولید می‌شود، کودهای زیستی برای گیاهان آپارتمانی است. قیمت و مقدار تعادلی این محصول در نمودار زیر نشان داده شده است.



اخیراً هزینه‌های تولید افزایش یافته و مسئولان کارگاه مجبور شده‌اند، قیمت محصول را ۴۰۰۰۰ تومان تعیین کنند. در قیمت ۴۰۰۰۰ تومان تحلیل کنید که چه شرایطی پیش می‌آید و کارخانه ممکن است با چه مشکلاتی مواجه شود؟ همچنین بیان کنید که چه اتفاقی باید برای بازار بیفتد تا قیمت و مقدار مجدداً به وضعیت تعادلی بازگردد؟

## تحلیل کنید



- خریداران و فروشندگان در بازار چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند؟
- قیمت تعادلی چیست و اگر عرضه یا تقاضا بیش از قیمت تعادلی باشد چه روی می‌دهد؟
- بازار چیست و چگونه مقدار و قیمت تعادلی در آن مشخص می‌شود؟



### موقعیت



تماشای یک مسابقه فوتبال جذاب به صورت خانوادگی برای شاداب تر شدن روحیه افراد خانواده بسیار مفید است به ویژه اگر با کری خوانی هم همراه شود. این موضوع بهانه‌ای شد تا خانواده محمدی آن شب همگی باهم به تماشای یک مسابقه فوتبال سنتی بنشینند. امیرعلی و مادر طرفدار یک تیم بودند و ستایش، پدر و امیرحسین هم تیم دیگر.

از قضا تیم امیرعلی برد و کری خوانی‌های ستایش و پدر درست از آب درنیامد و همین موجب شد که ستایش بسیار عصبانی شود.

**مادر:** شماها سه ساله که مارو نبردین، واقعاً چه توقعی دارین از تیمتون؟

ستایش: به لطف اشتباهات داور بردین و گرنه خودتون هم دیدین که نمی‌تونستین مارو ببرین. اگر داور دقیقه ۸۹ به نفع شما پنالتی نمی‌گرفت، نه بازیکن ما اخراج می‌شد نه ورق بازی بر می‌گشت. امیرعلی: هر وقت می‌بازین می‌گین داور. هر وقت هم می‌برین می‌گین شایستگی‌های تیمی! آخه این چه حرفیه می‌زنی خواهر؟

پدر: مثل خودت که هر وقت نمره ات بد می‌شه می‌گی معلم نمره نداد، هر وقت هم که نمره ات خوب می‌شه می‌گی ببینین چی کار کردم!

امیرعلی درحالی که از حرف پدر خیلی ناراحت شده بود: چه ربطی داره آخه بابا! ماشین شهرداری هم اگه نیاد می‌ندازین تقصیر منو درس خوندم.

همه از حرف و عصبانیت امیرعلی زدند زیر خنده.

پدر: ولی انصافاً داور توی زندگی منم خیلی تأثیرگذار بوده!

ستایش: مگه شما توی کارتون هم داور دارین؟

پدر: بله، اگه کسب و کار، داور نداشته باشه که به هم می‌ریزه! داور توی فضای کسب و کار، دولته!

دقیقاً مثل بازی امشب، فقط بازی ما و مشتری هامون تعیین کننده نیست. به وقتایی تصمیمات دولت روی نتیجه کار ما اثر می‌ذاره.

**امیرعلی:** پس یعنی شما هم توی کارتون شکست می‌خورین؛ می‌ندازین گردن یکی دیگه!  
**مادر:** ای، این چه حرفیه می‌زنی تو؟ زشته آخه.

**پدر:** نه پسرم، اتفاقاً دولت اخیراً به کمک بزرگ به ما کرده. تعرفه واردات کودهای زیستی رو سه برابر کرده و در مالیات هم تخفیف داده!

**ستایش:** خب این چه ربطی به شما داره!

**امیرعلی:** اصلاً دولت چرا باید این کار رو بکنه؟ چه سودی براش داره؟

## گفت‌وگو در کلاس



- ۱- به نظر شما چرا آقای محمدی باید به دولت مالیات بدهد؟
- ۲- به نظر شما دولت با چه انگیزه‌ای باید وارد بازی میان عرضه کننده و تقاضاکننده شود؟ این کار برای او چه نفعی دارد؟

## نقشه راه

تا اینجا آموختیم که در عرصه اقتصاد دو بازیگر اصلی وجود دارد. نکته‌ای که در این درس به دنبال آنیم این است که بازی اقتصاد نیازمند یک داور است که به آن دولت می‌گویند. دولت با عملکرد درست خود می‌تواند تخصیص‌های بهینه‌ای برای اقتصاد به وجود آورد. در پایان این درس می‌توانیم:

- نقش دولت را در یک اقتصاد بازاری درک کنیم و به خوبی بیان کنیم.
- درآمد دولت و انواع مالیات‌ها را شناسایی کنیم و نقش آن (مالیات) را در اقتصاد توضیح دهیم.

## طرح مسئله

فرض کنید شرکت کسب و کاری را طراحی کرده‌اید و می‌خواهید عملاً وارد فعالیت شوید. گام اول آن است که مجوزهای لازم را برای فعالیت اقتصادی خود از دولت بگیرید. شما با گرفتن مجوزها اجازه می‌دهید که دولت به کار شما نظارت کند. ممکن است از خود بپرسید که دولت چرا باید در فعالیت اقتصادی ما نظارت کند؟ چرا ما مجبوریم برای کسب و کارهایمان با دولت هماهنگ باشیم؟

فرض کنید شما مالک یک شرکت تولیدکننده دارو هستید و کار خود را با دقت و کیفیت انجام می‌دهید؛ اما رقیب شما در بازار، که آن هم یک شرکت تولید دارو است، محصولاتی با کیفیت کمتر و قیمت پایین‌تر ارائه می‌دهد. این کار او باعث می‌شود که نه تنها جان مصرف‌کنندگان به خطر بیفتد، بلکه به خاطر ارائه قیمت پایین‌تر،

مشتری‌ها را نیز به سوی خود جذب می‌کند. حالا فرض کنید دولتی نباشد که به کار این شرکت دارویی و محصولات او نظارت کند. در این صورت، هم شما به عنوان یک تولیدکننده متعهد ضرر می‌کنید و مجبور به ترک بازار می‌شوید و هم سلامت مصرف‌کنندگان به خطر می‌افتد.

دولت علاوه بر وظایف نظارتی، مسئول ارائه کالاها و خدمات عمومی هم هست. تصور کنید شما و کارمندان و کارگران شرکت، برای رفت‌وآمد به کارخانه، نیاز به احداث جاده و پل دارید. همچنین شرکت‌های دیگر نیز چنین نیازمندی‌هایی دارند. چه کسی باید این جاده‌ها و پل‌ها را احداث کند؟ همچنین مردم یک شهر یا یک کشور، نیاز به تأمین بهداشت و امنیت دارند. چه کسی باید این کالاهای عمومی را برای مردم فراهم کند؟ دولت مسئول تأمین کالاهای عمومی نیز هست. در ادامه درباره این دو وظیفه دولت بحث می‌کنیم.

## ۱- بهبود عملکرد بازار

مجموعه گسترده‌ای از قوانین و مقرراتی که توسط دولت وضع و اجرا می‌شود، به منظور تسهیل و تشویق مبادلاتی است که به نفع خریداران و فروشندگان است و از بروز شرایطی که به مبادلات آنها آسیب می‌زند، جلوگیری می‌کند. حضور دولت و عملکرد قوی آن سبب می‌شود افراد به حقوق یکدیگر تعرض نکنند و مثلاً دارایی‌هایی را که متعلق به آنها نیست تصرف نکنند. در این حالت، دولت به عنوان یک داور، در میدان فعالیت‌های اقتصادی، حضور دارد. وضعیتی را تصور کنید که خریداران نمی‌توانند اطمینان یابند، آیا فروشندگان مالکان واقعی آن چیزی هستند که برای فروش عرضه کرده‌اند یا خیر، در این حالت چگونه خریداران پولی را که به سختی درآورده‌اند، برای چیزهایی مانند خانه، خودرو، لوازم خانگی و... بپردازند. حالتی را تصور کنید که پول زیادی را به صاحب واقعی چیزی داده‌اید و آن را خریده‌اید؛ اما شخص دیگری به راحتی به میان بیاید و مانع از استفاده شما از چیزی که خریده‌اید شود!

دولت با تعریف و اجرای حقوق مالکیت، امنیت خرید و فروش و مبادلات را بهبود می‌بخشد. دولت اجازه نمی‌دهد تا زمانی که فروشنده اثبات نکند که مالک واقعی چیزی است، آن را بفروشد.



علاوه بر حمایت از حقوق مالکیت و اجرای قراردادهای دولت با وضع قوانین و مقرراتی ویژه در زمینه‌های مختلف می‌کوشد تا وجود اطلاعات و آگاهی‌های لازم را برای مبادله بین افراد تضمین کند، مثلاً شرکت‌های دارویی و غذایی نمی‌توانند پیش از انجام برخی آزمایش‌ها و اخذ گواهی معتبر محصولات خود را به بازار عرضه کنند یا افراد بدون دارا بودن صلاحیت‌های لازم به مشاغل مختلف وارد شوند؛ همچنین سازمان استاندارد وظیفه دارد کیفیت یا عدم کیفیت محصولات را تأیید کند. همه این فعالیت‌ها به نوعی سبب بهبود عملکرد بازار می‌شود.

## ۲- ارائه کالای عمومی

شما چیزهای زیادی دارید که متعلق به خود شماست و می‌توانید مانع استفاده دیگران از آنها شوید. اما آیا درباره خیابان، بوستان، تیرهای چراغ برق، پل‌ها، آتش‌نشانی و پلیس هم همین‌طور است؟ اینها بسیار با ارزش‌اند ولی هیچ‌کس نمی‌تواند این امکانات را فقط برای خودش داشته باشد. به کالا و خدماتی که توسط افراد زیادی می‌تواند هم‌زمان استفاده شود و شما نمی‌توانید مردم را از استفاده آن محروم سازید، کالای عمومی گفته می‌شود.

### درس زندگی

#### دولت یار یا دولت بار

چند روز قبل، سری به بازار آهن فروشان زدم و به هر مغازه‌ای که می‌رسیدم، می‌پرسیدم: «آقا ببخشید، کفش آهنی دارید؟». برایم شگفت‌آور بود. هیچ‌کس به من جواب درستی نداد. یا می‌خندیدند و یا می‌گفتند «برو آقا، خدا روزی‌ات را جای دیگری حواله کند!» فقط یکی از مغازه‌دارها که به نظرم آدم فهمیده‌ای بود پرسید: «کفش آهنی برای چه می‌خواهی؟» گفتم: «می‌خواهم برای کسب و کار جدیدی که راه انداخته‌ام از دولت مجوز بگیرم.» یکی از دوستانم که تجربه‌اش از من بیشتر بود گفته بود: «اول برو، یک کفش آهنی بخر؛ بعد اقدام کن.»



## فعالیت فردی در کلاس



اگر کشوری ارتش نداشته باشد و برای خود تجهیزات دفاعی تدارک نبیند، چه اتفاقی برایش می‌افتد؟ آیا دیگر کشورها نیز به صلح و رعایت حقوق او پایبند خواهند ماند؟ هزینه‌های تأمین نیروهای نظامی و تجهیزات و امکانات مورد نیاز آنها را چگونه باید تأمین کرد؟

## ابزارها و منابع تأمین مالی دولت

دولت کارها و خدمات گوناگونی ارائه می‌دهد و مسئولیت‌های مختلفی بر عهده دارد. به نظر شما دولت برای ارائه این خدمات و کالاهای عمومی، چه منابع مالی در اختیار دارد؟ آیا می‌دانید منابع مالی ارائه این خدمات از کجا تأمین می‌شود؟ این منابع مالی معمولاً و در بیشتر موارد از دو محل تأمین می‌شود؛ یکی مالیات‌ها و دیگری فروش دارایی‌های ملی که در ادامه به آن می‌پردازیم.

### ۱- مالیات‌ها

دولت برای تأمین سطحی از کالاها و خدمات عمومی برای همگان، از مردم مالیات می‌گیرد. مالیات دو هدف اصلی دارد. اولین و مهم‌ترین هدف مالیات، افزایش درآمد دولت است. دیگر اینکه، مالیات می‌تواند فعالیت‌های نامناسب مانند کشیدن سیگار را کاهش و رفتارهای مطلوب، مانند مصرف شیر را افزایش دهد. در ادامه به هریک از این اهداف می‌پردازیم.

**افزایش درآمد دولت:** مالیات برای تأمین مالی اهداف و پشتیبانی از فعالیت‌های دولت مانند امنیت، دفاع، امور قضایی، آموزش و بهداشت عمومی ضروری است. شاید تصور زندگی در شهرها و روستاها بدون خدمات ارائه شده توسط دولت مانند مدارس، راه‌ها، علامت‌های راهنمایی و رانندگی، پلیس، درمانگاه‌ها، کتابخانه‌ها، بوستان‌ها و... که هزینه‌های همه آنها از محل مالیات تأمین می‌شود، سخت باشد! بنابراین هدف اصلی از مالیات این است که درآمد دولت را تا حدی بالا ببرد که عملکرد دولت مؤثر واقع شود.

**کاهش فعالیت‌های نامناسب و تشویق فعالیت‌های مطلوب:** فراتر از افزایش درآمد، هدف از برخی مالیات‌ها کاهش رفتارهای نامناسب است. مطلب صفحه بعد را بخوانید تا متوجه شوید که چگونه مالیات بر چوبک‌های غذاخوری باعث کاهش قطع درختان جنگلی و مصرف چوبک‌ها شد.



## چوبک‌های غذاخوری

بعد از اینکه مالیات در چین، قیمت چوبک‌های غذاخوری را افزایش داد، بسیاری از مصرف‌کنندگان، عادت خود را تغییر دادند و به جای این چوبک‌ها از قاشق استفاده کردند.



در برخی کشورها مالیات بر سوخت‌های آلاینده مانند بنزین و گازوئیل معمول است؛ چراکه این مالیات می‌تواند به کاهش مصرف و در نتیجه کاهش آلودگی ناشی از آن بینجامد. اخیراً در برخی کشورها به دلیل آثار زیست‌محیطی خطرناک کیسه‌های پلاستیکی، به وضع مالیات بر مصرف آنها اقدام شده است. علاوه بر این مالیات بر مصرف محصولات تنباکویی از جمله سیگار که برای سلامت انسان مضر است، در دنیا بسیار شایع است. گاهی نیز دولت از برخی فعالیت‌ها که برای افراد جامعه مفید است، مالیات دریافت نمی‌کند.

## انواع مالیات

در کشور ما در یک دسته‌بندی کلی دو نوع مالیات گرفته می‌شود: مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم. تفاوت این دو نوع مالیات در این است که در مالیات مستقیم مبلغی به عنوان مالیات دریافت می‌شود ولی در مالیات غیرمستقیم، مالیات به صورت بخشی از قیمت کالا از مشتری گرفته می‌شود.



**الف) مالیات مستقیم:** مالیات‌های مستقیم خود به دو دسته مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد تقسیم می‌شوند. اساس و مبنای مالیات بر دارایی، ثروت مؤدی (پرداخت‌کننده مالیات) است. مهم‌ترین نوع مالیات بر دارایی، مالیات بر ارث است که از اموال و دارایی‌های باقی‌مانده شخص فوت شده، دریافت می‌شود. در واقع زمانی که اموال شخص متوفی قرار است به وراث او منتقل شود، دولت از دارایی و ثروت در حال انتقال مالیات می‌گیرد. در مالیات بر درآمد، درآمد افراد و شرکت‌ها (و نه ثروت آنها) مبنای مالیات است. شاید بتوان گفت که مالیات بر درآمد اشخاص مهم‌ترین نوع مالیات است. مالیات بر درآمد از هر کدام از انواع درآمدها جداگانه دریافت می‌شود. (مثلاً مالیات بر حقوق و مالیات بر درآمد املاک)



## بیشتر بدانیم

### اقسام مالیات بر درآمد

نوع مالیات	تعریف	مقدار مالیات
مالیات بر درآمد کشاورزی و دامپروری	هرگونه درآمد ناشی از فعالیت‌های کشاورزی و زراعت و دامپروری، دامداری، پرورش ماهی پرورش زنبور عسل صیادی، ماهیگیری و مواردی از این دست	معاف از مالیات
مالیات بر درآمد حقوق	درآمد ناشی از حقوق و دستمزد	تاسطحی از درآمد (تعیین شده در بودجه سالانه) معاف از مالیات و مازاد بر این مبلغ و تا هفت برابر آن، ده درصد مالیات کسر می‌شود. نسبت به مازاد این مبلغ هم ۲۰ درصد کسر می‌شود
مالیات بر درآمد مشاغل	درآمدشخص حقیقی از اشتغال به مشاغل تجاری، خدماتی و پزشکی به صورت کل فروش کالا و خدمات پس از کسر هزینه‌ها	مبتای مالیات اظهارنامه‌ای است که باید پر کنند و تا قبل از تیرماه سال بعد به اداره امور مالیاتی محل کار خود تسلیم نمایند
مالیات بر درآمد اتفاقی	درآمدهایی مانند جایزه و معاملات بلعوض (مثل بخشش و هبه زمینی به دیگری) که معمولاً مستمر و تکرار شونده نیستند و به صورت اتفاقی حاصل می‌گردند	میزان مالیات و نحوه پرداخت آن، بسته به نوع درآمد حاصله می‌تواند متفاوت باشد
مالیات بر درآمد املاک	درآمد ناشی از اجاره املاک و علاوه بر اجاره، نقل و انتقال املاک هم مشمول مالیات است	پس از کسر ۲۵ درصد از مبلغ کل اجاره به عنوان هزینه‌ها و استهلاکات مشمول پرداخت مالیات خواهند شد
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی	از جمع درآمد شرکت‌های تجاری	

**ب) مالیات غیر مستقیم:** مهم‌ترین انواع مالیات‌های غیر مستقیم که در کشور ما اجرا و اعمال می‌شوند، عبارت‌اند از: عوارض گمرکی و خدماتی، مالیات بر مصرف و مالیات بر ارزش افزوده. **عوارض گمرکی و خدماتی:** یکی از انواع مالیات‌های غیر مستقیم، عوارض گمرکی است. حقوق و عوارض گمرکی در واقع مالیات هر کشور بر صادرات و واردات کالاهاى مختلف است که با نام «تعرفه‌های گمرکی» نیز شناخته می‌شود. این نوع از مالیات‌ها، تابع سیاست‌های کلان بازرگانی و شرایط اقتصادی کشورها هستند و به جز اینکه یکی از راه‌های درآمدزایی دولت‌ها هستند، معمولاً برای حمایت از صنایع داخلی نیز به کار گرفته می‌شوند. این دسته از مالیات‌ها ممکن است براساس قیمت و ارزش کالاها یا براساس ویژگی‌ها و مشخصات آنها (مانند حجم، وزن و...) تعیین و دریافت شوند.

انواع عوارض درج شده در قبض‌های شهرداری مالیات تلقی می‌شود. شهرداری در مقابل خدماتی که ارائه می‌کند، و جوهی مانند عوارض خودرو یا عوارض نوسازی و دفع پسماند دریافت می‌کند.



**مالیات بر مصرف:** مالیات بر مصرف مالیاتی است که مصرف کنندگان کالاها را خاص در زمان خرید آن کالا (به همراه قیمت کالا) پرداخت می کنند. به این ترتیب اگر شما میزان بیشتری از آن کالا مصرف کنید، در نهایت مالیات بیشتری نیز پرداخت می کنید. اگرچه این نوع مالیات نهایتاً به وسیله مصرف کننده نهایی پرداخت می شود، اما وظیفه قانونی پرداخت آن به عهده تولید کنندگان و فروشندگان

است. مالیات بر مصرف، انواع بسیار زیادی دارد که بارزترین نمونه آن در ایران، مالیات بر مشروبات غیرالکلی ماشینی و مالیات بر دخانیات است.

**مالیات بر ارزش افزوده:** منظور از مالیات بر ارزش افزوده، مالیاتی است که از تفاوت ارزش بین کالا و خدمات عرضه شده با ارزش کالا و خدمات خریداری شده در دوره ای مشخص گرفته می شود. این نوع مالیات چند مرحله ای است و در هر یک از مراحل تولید و تکمیل تا مصرف نهایی بر حسب ارزش افزوده گرفته می شود. مالیات بر ارزش افزوده با ایجاد شفافیت، فرار مالیاتی را کاهش می دهد و از مالیات ستانی مضاعف جلوگیری می کند؛ چراکه مالیات پرداخت شده تولید کنندگان قبلی از مالیات بر فروش بعدی کسر می شود. به عبارت دیگر کالا و خدمات واسطه ای از پرداخت مالیات معاف می شوند.

### مالیات بر ارزش افزوده (VAT)، چگونه کار می کند؟

در کشورهایی که سازوکار مالیات بر ارزش افزوده برقرار است، کسب و کارها، منبع مالیات را از فروش خودشان جمع آوری کرده و آن را از طریق خرید از دیگر کسب و کارها، پرداخت می کنند. در این شکل نشان داده شده است که چگونه ۱۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده (VAT) بر تولید و فروش لباس، عمل می کند.



**مرحله ۱: کشاورز زینبه**  
رامی رویاند و آن را به قیمت ۱۰۰۰ تومان به پارچه باف می فروشد.

**مرحله ۲: پارچه باف،**  
پارچه را می بافت و به قیمت ۵۰۰ تومان به خیاط می فروشد.

**مرحله ۳: خیاط لباس**  
را می دوزد و آن را به قیمت ۱۲۰۰ تومان به مغازه دار می فروشد.

**مرحله ۴: مغازه دار،**  
لباس را به قیمت ۲۰۰۰ تومان به مشتری می فروشد.

قیمت فروش با مالیات بر ارزش افزوده	۱۱۰۰ تومان	۵۵۰۰ تومان	۱۳۲۰۰ تومان	۲۲۰۰۰ تومان
مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده	۱۰۰ تومان	۵۰۰ تومان	۱۲۰۰ تومان	۲۰۰۰ تومان
اعتبار مالیات بر ارزش افزوده هایی که در مرحله قبل پرداخت شده	-	۱۰۰ - تومان	۵۰۰ - تومان	۱۲۰۰ - تومان
مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده	۱۰۰ تومان	۴۰۰ تومان	۷۰۰ تومان	۸۰۰ تومان
مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده				۲۰۰۰ تومان



## بیشتر بدانیم

### برخی مشکلات مالیات ستانی

فرار مالیاتی در برخی کشورها، به دلیل عدم شفافیت درآمدها، زیاد است. به گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۹۷ در کشور ما، فرار مالیاتی حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان یعنی معادل ۳۵ درصد درآمدهای مالیاتی آن سال بوده است!

برخی از انواع مالیات‌ها در ایران گرفته نمی‌شود و همین امر سبب شده است که انحرافات در مسیر سرمایه‌گذاری در کشور رخ دهد. از جمله این مالیات‌ها مالیات‌های خالی و زمین‌های بایر است که سبب شده است این نوع دارایی‌های مصرفی به دارایی‌های سرمایه‌ای غیرمولد تبدیل شود.



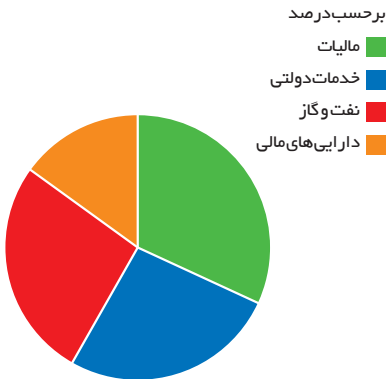
### سهم انواع مالیات در کشورهای مختلف (به درصد)

عنوان	آمریکا	انگلستان	آلمان	سوئد	نروژ	دانمارک	ایران
درآمد مالیات / تولید ناخالص داخلی	۲۴/۸	۳۵	۳۶/۳	۴۵/۸	۴۲/۸	۴۸/۲	۱۰/۵
سهم مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی	۴۹/۵	۳۴	۴۱/۶	۳۶/۱	۳۰/۲	۵۱/۷	۱۴
سهم مالیات بر سود شرکت‌ها	۱۱/۱	۱۰	۷/۶	۷/۹	۳۲/۲	۵/۷	۳۷
سهم مالیات بر مصرف	۲۳/۱	۴۰/۵	۴۶	۲۸/۸	۲۶/۴	۳۱/۶	۴۲/۳
بالاترین نرخ مالیات بر درآمد	۴۳/۳	۶۲/۷	۵۹/۳	۷۳/۶	۶۰/۸	۶۹/۸	۳۵

## ۲- سایر درآمدهای دولت

غیر از مالیات، بخش زیادی از درآمدهای مورد نیاز دولت در ایران از محل فروش دارایی‌هایی مثل نفت تأمین می‌شود. همان‌طور که در نمودار صفحه بعد می‌بینید، بخش زیادی از درآمدهای دولت از محل فروش دارایی‌های تجدیدنپذیری مانند نفت و گاز تأمین شده است که درآمدی پایدار نیست؛ با قیمت نفت نوسان می‌کند و قابل تحریم است!

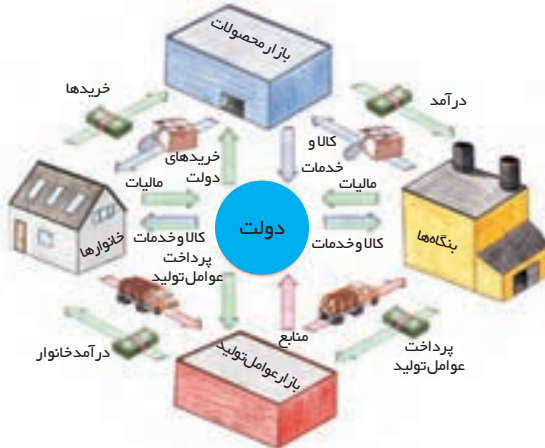
برآورد منبع درآمدهای عمده دولت ایران در سال ۱۳۹۷



فروش این نوع دارایی‌ها، عملاً فروش دارایی‌هایی است که نه فقط به ما بلکه به نسل‌های بعد هم تعلق دارد. اگر با درآمد حاصل از فروش این منابع، دارایی‌های دیگری خلق نشود و این درآمدها صرف هزینه‌های جاری کشور (نظیر پرداخت دستمزد و...) شود، در این صورت حتماً نسل‌های بعد، ما را نخواهند بخشید! دولت سالیانه بخشی از درآمد مورد نیاز خود را نیز از طریق ایجاد بدهی تأمین می‌کند؛ یعنی از مردم قرض می‌گیرد یا آنها را در طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت شریک می‌کند و از محل سود این طرح‌ها سودی بین آنها تقسیم می‌کند. این درآمد نیز نمی‌تواند تا ابد پایدار باشد.

### جایگاه دولت در جریان چرخشی درآمد

در درس قبل گفته شد که دو بازیگر اصلی اقتصاد، خانوارها و شرکت‌ها هستند. در این درس نیز به جایگاه دولت پی بردیم. بنابراین می‌توان گفت نمودار جریان چرخشی تعاملات بین خانوارها و شرکت‌ها که در درس قبل دیدیم کامل نیست چرا که دولت را نادیده گرفته بود، اما دولت برای انجام نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد، خریداری مهم در بازارهای عوامل تولید و نیز بازار کالا و خدمات است و البته با دریافت مالیات از شرکت‌ها و خانواده‌ها و پرداخت یارانه به آنها نقشی مهم در اقتصاد ایفا می‌کند. در شکل زیر، روابط میان دولت با بازارها و خانوارها ترسیم شده است.





## برای تفکر و تمرین

۱- هریک از موارد زیر را تحلیل کنید و مشخص کنید که آیا این تغییر می‌تواند یک فعالیت اقتصادی را که مشمول مالیات می‌شود، تشویق یا دلسرد کند؟ پاسخ را توضیح دهید.

- دولت مالیات ۱۰۰۰ تومانی بر بطری‌ها و قوطی‌های پلاستیکی وضع می‌کند.
- دولت مبلغ کمک‌های خیریه را که می‌تواند هنگام محاسبه مالیات بر درآمد از درآمد کسر شود افزایش می‌دهد.
- دولت مالیات حقوق و دستمزد کارفرمایان را کاهش می‌دهد.
- دولت بر غذاهایی که حاوی سطوح بالای چربی و سطح بالایی از سدیم هستند، مالیات اعمال می‌کند.
- دولت قوانین را تغییر می‌دهد تا شرکت‌ها مالیات بیشتری بپردازند.
- دولت مالیات بر فروش خودروهای جدید را حذف می‌کند.
- دولت نرخ مالیات املاک برای کارخانجات جدید را کاهش می‌دهد.

۲- نوع مالیات را در هریک از موارد زیر تعیین کنید.

- کارفرمایان باید درصدی از دستمزد کارکنان خود را به دولت پرداخت کنند.
- افرادی که خانه، ویلا، خودروهای لوکس و... دارند، ملزم به پرداخت درصدی از ارزش دارایی خود به دولت هستند.
- دولت تصمیم می‌گیرد که فقط کالاهای خاصی در مقادیر مشخصی پس از خرید مالیات بپردازند.
- شرکت‌ها باید درصدی از سود خودشان را به دولت بپردازند.
- کارکنان باید بخشی از درآمد خود را به عنوان مالیات به دولت پرداخت کنند.

۳- کارگاه ایران سبز، به همراه سه کارگاه مجاور دیگر، از مجموع کالاها و امکانات عمومی که دولت در اختیار آنها قرار داده است، مطابق با موارد زیر از مزایای آن بهره‌مند می‌شود.  
- احداث و تجهیز جاده‌ای که برای تسهیل حمل‌ونقل در کنار کارخانه احداث شده است، به ارزش سالانه ۵۰ میلیون تومان

- احداث و تجهیز مجموعه سامانه روشنایی بیرون از کارخانه به ارزش سالانه ۳۰ میلیون تومان  
- تأمین امنیت راه‌ها و بازار خرید مواد اولیه و فروش محصولات به ارزش سالانه ۳۰ میلیون تومان  
- ایجاد و نگهداری امکانات رفاهی و بهداشتی در نزدیکی کارخانه به ارزش سالانه ۲۰ میلیون تومان  
○ اگر قرار بود آقای محمدی به‌عنوان مدیرعامل کارگاه، خودش هزینه این موارد را پرداخت کند، چه تغییری در درآمد و سود و زیان سالانه شرکت او حاصل می‌شد؟ (اطلاعات مربوط به هزینه‌ها و درآمد شرکت در تمرین درس اول آمده است.)

○ اکنون فرض کنید دولت، مالیاتی معادل ۵ درصد به‌طور سالانه، بر درآمدهای شرکت تولیدی آقای محمدی وضع کرده است. اولاً تأثیر این مالیات را بر سود و زیان سالانه شرکت محاسبه کنید. ثانیاً هزینه مالیات را با منافع به‌دست‌آمده از امکانات عمومی مقایسه کنید و تحلیل کنید که آیا پرداخت مالیات به نفع شرکت است یا به ضرر آن.

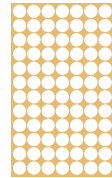
## تحلیل کنید



- چرا دولت به‌عنوان یکی از بازیگران، باید در میدان کسب و کار حضور داشته باشد؟
- چرا کسب و کارهای گوناگون، باید به دولت مالیات بدهند؟



## موقعیت



شعار همیشگی آقای محمدی این بود که «اگه بخوای و تلاش کنی هیچ دری بسته نمی‌مونه». از هر کسی پرسید که آقای محمدی را در یک جمله توصیف کن، خواهد گفت: «آدم سخت‌کوشیه». این دو مقدمه را هنگامی که باهم جمع کنیم نتیجه‌اش می‌شود: «اوضاع فعلی کارگاه». سرانجام و بعد از ماه‌ها سختی، روی خوش تولید داشت نمایان می‌شد. یک پیشنهاد خوب از عمان و یکی هم از عراق برای خرید سموم زیستی به‌دست آقای محمدی رسیده بود. جریان ورود منابع مالی جدید به کارگاه می‌توانست جان تازه‌ای به رگ‌های خسته کارگاه بدهد و همین اتفاق کم‌کم داشت می‌افتاد. همه چیز خوب بود تا اینکه اتفاق جدیدی در حدود ۱۲ هزار کیلومتری مرزهای کشورمان رخ داد. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، تمام بانک‌های ایرانی و فرایندهای نقل و انتقال مالی با ایران را تحریم کرد. طبق این تحریم صادرکنندگان ایرانی نمی‌توانند هیچ پولی را از هیچ کجای دنیا دریافت کنند. آقای محمدی هم، تمام محصولات سفارشی خود را تحویل داده بود و تنها بخش اندکی از پول آن را دریافت کرده بود. هیچ اتفاقی بدتر از این نمی‌شد. به قول قدیمی‌ها، آب رفته را به جوی نمی‌توان باز گرداند. جنس رفته بود؛ اما پولی نیامده بود! آن شب آقای محمدی پریشان‌تر از همیشه به خانه برگشت. هنوز چند جمله‌ای از سلام و احوالپرسی‌های معمول نگذشته بود که رو به همه گفت:

پدر (با حالت درخواست و التماس): بچه‌ها از همتون خواهش می‌کنم برای کارگاه دعا کنین لطفاً. ستایش: مگه چی شده بابا؟ انگار اوضاع خوب شده بود که؟

امیرعلی قبل از اینکه پدر حرفی بزند سریع گفت: به تحریم‌های امروز ربطی داره حرفتون؟ پدر با تأسف سری به نشانه تأیید تکان داد.



ستایش: حالا چیزی نشده که! به خارجی‌ها نفروشین! مگه مشتری کم داریم که شما این طوری غصه می‌خورین؟

پدر: مشکل اینجاست که فروختم؛ ولی دیگه نمی‌تونم پولشو زنده کنم؟

مادر: ای وای! حالا می‌خواین چی کار کنین؟

پدر: واقعاً نمی‌دونم. دیگه حتی نمی‌تونم به قیمت قبل، مواد اولیه بخرم!

ستایش: دیگه تحریم بانک به قیمت مواد اولیه چه ربطی داره؟

امیرعلی: حتماً مواد اولیه تون خارجی‌ه، بله؟

پدر: آره باباجون، وقتی از اون طرف میاد، طرف چون داره خطر می‌کنه باهامون چند برابر حساب می‌کنه.

مادر: خب این طوری که قیمت اجناس شما بالا می‌ره! اون وقت بعدش کسی از تون می‌خره؟

پدر: معلومه که نه!

امیرعلی: خب خودتون مواد اولیه رو تولید کنین.

پدر: دانشش رو نداریم.

ستایش: چه کلاف سردرگمی درست کرده این تحریم!!

## گفت‌وگو در کلاس



- ۱- آیا اگر سفارش خارجی برای سموم زیستی نبود، آقای محمدی زودتر شکست نمی‌خورد؟
- ۲- به نظر شما چه عللی باعث می‌شود طرف عراقی به فکر وارد کردن محصول از یک کشور دیگر بیفتد؟
- ۳- به نظر شما وجود تقاضای خارجی برای کالای تولیدی آقای محمدی چه منافی برای او و کارگاهش به همراه داشت؟

## نقشه راه

- ما در این درس می‌خواهیم به بررسی انگیزه‌های تجارت میان کشورها بپردازیم و در پایان درس نیز خواهیم توانست:
- اطلاع درستی از موانع امروزی تجارت (انواع تحریم‌ها) کسب کنیم.
  - به الگویی مطلوب برای رفع موانع تجارت بیندیشیم.

نگاهی به اطراف خود بیندازید و با دقت بیشتری به محصولات و کالاهایی که پیراموتان وجود دارد، نگاه کنید. آنها از کجا آمده‌اند؟ چه تعدادی از آنها را شرکت‌های تولیدی داخل کشور درست کرده‌اند و چه تعدادی از آنها، محصول کشورهای دیگرند؟ اگر قرار بود کالاها سخن بگویند و خودشان را معرفی کنند، چه می‌گفتند؟ شاید برخی از آنها می‌گفتند ما ساخته دست کارگران چینی هستیم. برخی دیگر می‌گفتند، ما به واسطه سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران آلمانی متولد شده‌ایم و برخی دیگر می‌گفتند ما را کارگران و سرمایه‌گذاران ایرانی تولید کرده‌اند. همان‌طور که ما انسان‌ها ملیت داریم، کالاها هم ملیت دارند. با این حال جالب است بدانید که برخی محصولات، به ویژه محصولات، که از فناوری‌های پیشرفته‌تری بهره‌مندی می‌برند، ممکن است چندملیتی باشند. مثلاً سرمایه‌گذار آن یک شرکت آلمانی باشد ولی ساخته شده دست کارگران چینی! در این درس درباره بازیگر دیگری در میدان بازی اقتصاد سخن می‌گوییم. آن بازیگر، شرکت‌ها و دولت‌هایی هستند که خارج از مرزهای ما زندگی می‌کنند، اما در زندگی اقتصادی ما اثر گذارند.

## چرا تجارت با دیگر کشورها مهم است؟

فرض کنید صاحب یک شرکت بزرگ تولید پوشاک هستید و در کشور شما امکان تولید پنبه وجود ندارد یا تولید آن هزینه بسیار بالایی دارد. اما در عوض، کشور همسایه شما، زمین حاصلخیزی برای کشت پنبه دارد. شما برای اینکه هزینه تولیدتان را کاهش دهید و بتوانید با قیمت مناسب‌تری پوشاک خود را به بازار روانه کنید، پنبه را از کشور همسایه وارد می‌کنید. در این صورت هم شما به خاطر کاهش هزینه‌های تولید، سود بیشتری می‌برید و هم کشور همسایه شما، بابت فروش پنبه‌هایش سود می‌برد. اگر کار شما توسعه پیدا کرد، می‌توانید پوشاک تولیدی خودتان را به همان کشوری که از آن پنبه وارد می‌کردید یا کشور دیگری صادر کنید و از این بابت نیز، کسب و کار شما رونقی خواهد گرفت.

به‌طور کلی، یکسان نبودن منابع و عوامل تولید در کشورها و نیز یکسان نبودن کشورها از نظر دسترسی به فناوری یا تفاوت‌های اقلیمی و آب و هوایی، از دلایلی است که باعث می‌شود کشورها با یکدیگر وارد مبادله شوند. همین عوامل باعث می‌شود تا تولید یک محصول در کشوری به صرفه باشد و در کشور دیگر، صرفه اقتصادی نداشته باشد و همین اختلاف، پایه بده - بستان دو کشور یا صادرات و واردات را تشکیل می‌دهد.



## بیشتر بدانیم

بندر سیراف از پر رونق‌ترین بنادر ایران در دوران‌های مختلف تاریخی بوده است. این بندر سه هزار ساله در بخش مرکزی شهر کنگان در میان تمام باستان‌شناسان از شهرت



بالایی برخوردار بوده است. سیراف، در طی اعصار مختلف دروازهٔ تجاری ایران به بسیاری از مناطق جهان مانند هند، چین و آفریقا به شمار می‌رفته است و همین موضوع سبب شده بود این شهر آباد و ثروتمند پر از خانه‌های اشرافی با تزیینات گچی و چوبی، مساجد کوچک و بزرگ و حتی سیستم فاضلاب و لوله‌کشی‌های سفالی باشد. به منظور تامین آب شرب بندر، حوضچه‌هایی ساخته شده بود که آب باران را جمع‌آوری می‌کرد. دخمه‌ها یا برج خاموشان سیراف نیز از مهم‌ترین دیدنی‌های این بندر است؛ مکانی که زرتشتیان، مردگان خود را در آنجا رها می‌کردند. تنها دخمهٔ ایران که به شکل خانه ساخته شده نیز در بندر سیراف واقع شده و به مقبره کوروش مشهور است.

## اصل مزیت مطلق و نسبی در تجارت

عواملی که پیش از این مطرح شد، توان تولیدی منطقه یا کشوری را در مقایسه با منطقه یا کشور دیگر، تغییر می‌دهد و موجب می‌شود تولید یک محصول نسبت به محصولی دیگر «مقرون به صرفه‌تر» شود؛ به عبارت دیگر مزیت اقتصادی ایجاد کند.

دو کشور ایران و برزیل را در نظر بگیرید. برای سادگی فرض کنید:

الف) هر دو کشور به یک اندازه از نیروی کار، سرمایه و دانش فنی برخوردارند. در هر دو کشور فقط غذا و پوشاک با قیمت‌های یکسان تولید می‌شوند.

ب) هر دو کشور اگر همه عوامل تولیدشان را با اشتغال کامل، برای تولید غذا به کار گیرند، ایران ۶۰ واحد و برزیل ۴۰ واحد تولید می‌کند.

ج) هر دو کشور اگر همه عوامل تولیدشان را با اشتغال کامل، برای تولید پوشاک به کار گیرند، ایران ۳۰ واحد و برزیل ۷۰ واحد تولید می‌کند.

در این صورت می‌گوییم برزیل در تولید پوشاک و ایران در تولید غذا «مزیت مطلق» دارند. در نتیجه بهتر است در محصولی که مزیت دارند، تخصص و تمرکز یابند و محصولات خود را با یکدیگر مبادله کنند.

اکنون کشور دیگری مثل کنیا را در نظر بگیرید که از نظر عوامل تولید با دو کشور ایران و برزیل یکسان است.

اگر کنیا همه امکانات خود را بر تولید غذا متمرکز کند، می‌تواند ۲۰ واحد غذا، و اگر به پوشاک تخصص دهد ۱۰ واحد پوشاک تولید کند. همان‌طور که می‌بینید کنیا در تولید غذا و پوشاک نسبت به ایران و برزیل مزیت مطلق اقتصادی ندارد؛ یعنی هیچ‌کدام از آن دو کالا را به صرفه تولید نمی‌کند؛ یا به عبارت دیگر، هزینه تمام شده هر دو کالا در کنیا از دو کشور دیگر بیشتر است و این کشور مجبور است برای تولید مقدار مشخصی از کالا، منابع بیشتری را صرف کند. آیا به نظر شما کشور کنیا به‌هیچ‌وجه امکان تخصصی شدن و حضور در تجارت جهانی را ندارد؟

اقتصاددانان در این حالت، مفهوم «مزیت نسبی» را به کار می‌برند و می‌گویند هر چند کنیا در غذا و پوشاک، نسبت به دیگر کشورها مزیت مطلق ندارد، در کشور خود در تولید غذا نسبت به پوشاک مزیت نسبی دارد. بنابراین باید در صنعت غذا متمرکز شود و پوشاک مورد نیاز خود را از برزیل وارد کند. به عبارت دیگر، هزینه فرصت تولید غذا در کشور کنیا، کمتر از هزینه فرصت تولید پوشاک است و همین امر باعث می‌شود تا کنیا منابع کمیاب خود را بیشتر به تولید غذا، اختصاص دهد.

اگر اصل مزیت‌های مطلق و نسبی رعایت نشود؛ اولاً از منابع و سرمایه‌ها به بهترین نحو ممکن استفاده نمی‌شود که به نوعی هدر رفت آنها محسوب می‌شود (چرا که منابع کمیاب هستند) ثانیاً با تولید محصولات کمتر و بی‌کیفیت‌تر، رفاه جامعه کاهش می‌یابد. صادرات کالاها به تولیدکنندگان اجازه می‌دهد تا محصولات خود را در بازارهای بزرگ‌تری به فروش برسانند و همچنین به منظور رقابت با تولیدکنندگان دیگر، به تلاش بیشتر برای تولید بهتر و کارآمدتر وادار شوند.

## مزیت نسبی و هزینه فرصت

برای اینکه با مفهوم مزیت نسبی بهتر آشنا شوید، به مفهوم هزینه فرصت و تخصیص بهینه منابع کمیاب، که پیش از این آموختیم، فکر کنید. فرض کنید در رشته حقوق تحصیل کرده‌اید و اکنون یک وکیل ماهر، متخصص و مشهور هستید و در دفتر و کالت خود مشاوره حقوقی می‌دهید. شما برای مشاوره حقوقی، هر ساعت مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از مشتریان دریافت می‌کنید. اکنون چند روزی است که به فکر استخدام یک منشی هستید که کارهایی همچون جواب دادن به تلفن یا حروف‌چینی برخی از نامه‌ها را انجام دهد. این منشی برای انجام امور اداری، ساعتی ۵۰ هزار تومان، دستمزد می‌گیرد. با این حال ممکن است با خودتان چنین بیندیشید که من خودم این امور اداری ساده را می‌توانم انجام دهم و نیازی به استخدام منشی نیست. در این صورت ساعتی ۵۰ هزار تومان در هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌کنم. آیا این انتخاب شما منطقی است؟ برای پاسخ، این نکته را در نظر بگیرید

که هر یک ساعتی که می‌خواهید به امور اداری اختصاص دهید، برای شما ۲۰۰ هزار تومان ارزش دارد. در این صورت شما به جای سود، ۱۵۰ هزار تومان ضرر کرده‌اید! شما در انجام امور ساده اداری دارای مزیت نسبی نیستید؛ چون یک وکیل ماهر و متخصص‌اید!



## بازرگانِ قانع!

بازرگانی را شنیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده خدمتکار. شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویشت در آورد. همه شب نیارمید از سخن‌های پریشان گفتن که: فلان انبازم به ترکستان و فلان بضاعت به هندوستان است و این قبالة فلان زمین است و فلان چیز را فلان ضمین. گاه گفتی: خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است. باز گفتی: نه! که دریای مغرب مشوش است. سعدیا! سفری دیگرم در پیش است، اگر آن کرده شود بقیت عمر خویشت به گوشه بنشینم.

گفتم: آن کدام سفر است؟ گوگرد پارسی خواهیم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی به یمن و برد یمانی به پارس، و زآن پس ترک تجارت کنم و به دکانی بنشینم. انصاف از این ماخلویا چندان فرو گفت که بیش طاقت گفتنش نماند! گفت: ای سعدی! تو هم سخنی بگوی از آنها که دیده‌ای و شنیده. گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور  
بارسالاری بیفتاد از ستور  
گفت چشم تنگ دنیا دوست را  
یا قناعت پر کند یا خاک گور

(گلستان سعدی، باب سوم)

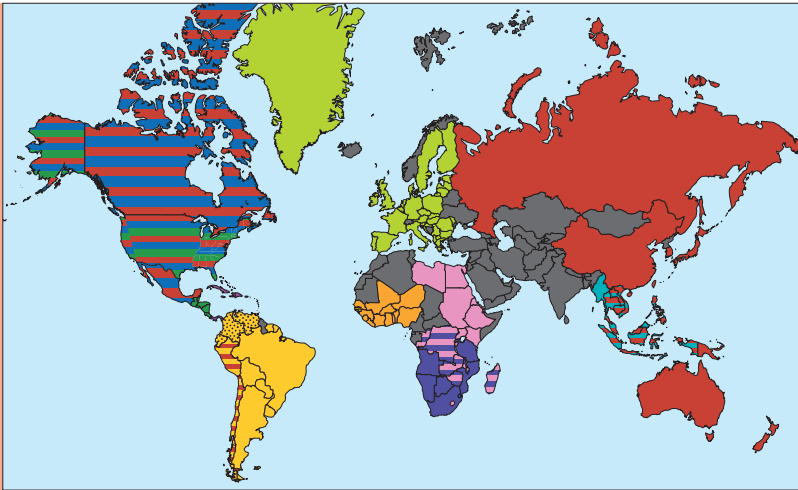
## دولت‌ها و تجارت بین الملل


با وجود منافع قابل توجهی که تجارت بین الملل برای کشورها دارد؛ اما در عمل دولت‌های گوناگون با روند تجارت بین الملل یکسان برخورد نکرده‌اند. یک کشور ممکن است با مشکلات خاص خود مواجه باشد و کشور همسایه‌اش، مشکلات و مسائل متفاوتی داشته باشد. همچنین آرمان‌ها و چشم‌اندازهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشورها ممکن است تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشد. همین امور موجب می‌شود تا دولت‌ها در طول تاریخ و در شرایط گوناگون، برخوردهای گوناگون و گاه متعارضی با مسئله تجارت بین الملل داشته باشند.

گاهی دولت‌ها برای حمایت از صنایع داخلی خود و کاهش وابستگی اقتصادی به کشورهای دیگر، تعرفه‌های گوناگونی بر واردات برخی از کالاها وضع می‌کنند و گاهی در جهت گسترش روابط اقتصادی‌شان با کشورهای دیگر که دیدگاه‌های نزدیک سیاسی با یکدیگر دارند، پیمان‌های تجاری وضع می‌کنند و تعرفه‌ها را کاهش می‌دهند. مجدداً ممکن است با بروز اختلافات سیاسی یا اقتصادی، تعرفه‌ها را برقرار کنند و پیمان‌های قبلی را نقض کنند. کشور انگلستان در سال ۱۷۰۱، قانونی را در مجلس خود تصویب کرد که براساس آن واردات هر نوع پوشاک با ابریشم ایرانی یا هندی یا چینی به کشور را ممنوع اعلام می‌کرد. این قانون در حمایت از صنعت منسوجات داخلی انگلستان صورت گرفته بود. در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، کشورهای آلمان و اروپای شرقی و ایالات متحده در جهت تقویت و حمایت از صنایع داخلی خود، تعرفه‌های حمایتی متعددی بر کالاهای وارداتی وضع کردند. در دوره بین دو جنگ جهانی، کارگران و تولیدکنندگان، کنگره آمریکا را متقاعد کردند که تعرفه‌های گمرکی را تا ۵۲ درصد افزایش دهد. البته سایر کشورها نیز به تلافی این اقدام، تجارت خود را با آمریکا کاهش دادند. ایالات متحده در دهه ۷۰ قرن بیستم نیز مجدداً به سیاست‌های حمایت‌گرایانه در مقابل تجارت آزاد روی آورد.

سازمان‌های بین‌المللی که در قرن بیستم شکل گرفت، مجموعه‌ای از این پیمان‌های تجاری بود که با فراز و نشیب‌های گوناگونی همراه بود. مثلاً سیاست‌های حمایت‌گرایانه ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی باعث به وجود آمدن مشکلاتی شده بود. کنفرانس پولی و مالی سازمان ملل (برتن وودز) در سال ۱۹۴۴ تشکیل شد و نتیجه آن تشکیل بانک جهانی توسعه و صندوق بین‌المللی پول بود. همچنین در سال ۱۹۴۷، ۲۳ کشور برای جلوگیری از اقدامات حمایت‌گرایانه کشورهای علیه یکدیگر و حفظ روابط تجاری بین خودشان قراردادی غیررسمی را امضا کردند که به نام قرارداد «گات»، مشهور شد و بعدها به سازمان دائمی تجارت جهانی تبدیل شد. آمریکا، کانادا و مکزیک در سال ۱۹۹۲، پیمان تجارت آزاد، مشهور به پیمان نفتا را امضا کردند.

آنچه پشت سر امضای این پیمان‌های تجاری و یا نقض آن بوده است، همان منافع ملی کشورهاست. بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در طول مراحل امضای پیمان نفتا بیان کرد: «نفتا به معنای شغل و درآمد مناسب برای آمریکایی‌هاست. اگر من به این امر باور نداشتم، هرگز این معاهده را حمایت نمی‌کردم». همین عامل، یعنی حفاظت از منافع ملی، عامل گسستن از پیمان‌های تجاری نیز به شمار می‌رود. عدم پایبندی به پیمان‌های بین‌المللی، سابقه بلندی در سنت آمریکایی دارد و دولت‌های این کشور، بارها پیمان‌های بین‌المللی را نقض کرده‌اند. در دوران اخیر، خروج آمریکا از توافق آب و هوایی پاریس، توافق نامه آسیا - پاسیفیک، توافق برجام و پیمان جهانی سازمان ملل برای بهبود وضعیت مهاجران و پناهندگان، مهم‌ترین موارد نقض پیمان‌های تجاری است که در کارنامه دولت‌های ایالات متحده آمریکا ثبت شده است.



 همکاری اقتصادی آسیا پاسفیک	 APEC
 اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا	 SADC
 ASEAN	 انجمن توسعه آفریقای جنوبی
 انجمن اقتصادی ایالت‌های غربی آفریقا	 COMESA
 ECOWAS	 بازار مشترک آفریقای شرقی و جنوبی
 انجمن و بازار مشترک کارائیب	 اتحادیه اروپا
 CARICOM	 EU
 بازار مشترک جنوبی	 پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی
 MERCOSUR	 NAFTA
 پیمان تجارت آزاد جمهوری دومینیکن ایالات متحده آمریکای مرکزی	 CAFTA-DR

## جنگ‌های تجاری و تحریم‌های اقتصادی

هر چند تجارت خارجی و تمرکز بر مزیت‌های مطلق یا نسبی دارای مزایای فراوانی است؛ اما باید در نظر داشته باشیم که این فعالیت گروهی، به قدرت و استقلال اقتصادی کشور، آسیبی نزند. در غیر این صورت تمام مشکلاتی که کشورهای وابسته دارند، کشور ما را نیز در بر می‌گیرد. جنگ‌ها و تحریم‌های اقتصادی قرن‌های اخیر و رفتار خودخواهانه برخی کشورها موجب شده است تا اقتصاددانان به اهمیت خودکفایی در برخی از تولیدات داخلی و عدم وابستگی برای تأمین آنها از خارج تأکید کنند. وابستگی در تأمین کالاهای راهبردی و ضروری مثل دارو، غذا و محصولات کشاورزی، حوزه انرژی (مثل نفت و انرژی هسته‌ای و انرژی‌های نو) و صنایع نظامی و دفاعی می‌تواند موجب بهانه جویی و سلطه رقیب یا دشمن و نهایتاً ضعف و وابستگی کشور شود.

هرچند زندگی عموم انسان‌ها در جامعه شهری به‌خاطر تخصص‌گرایی و تولید براساس مزیت، اقتصادی تک‌محصولی است اما در فضای جهانی، اقتصاد تک‌محصولی، اقتصادی شکننده و آسیب‌پذیر است؛ زیرا اقتصاد تک‌محصولی در مواقع بحرانی، امکان تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری مقابل تکانه‌ها، مشکلات و تحریم‌ها را ندارد. در صورتی یک کشور می‌تواند به وضعیت استقلال و استحکام اقتصادی نزدیک شود که:

(الف) راه‌های تأمین کالاهای وارداتی یا بازارهای فروش کالاهای صادراتی خود را گوناگون کند.

(ب) از وضعیت تک‌محصولی فاصله بگیرد.

(ج) با خلق مزیت‌های جدید اقتصادی امکان تأمین برخی نیازهای مهم و اساسی را در داخل کشور فراهم کند.

(د) به علم و فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان توجه بیشتری داشته باشد.

## بیشتر بدانیم



### نگاهی به تحریم‌های اقتصادی

در طول تاریخ، کشورها برای دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی و یا ایدئولوژیک خود دست به تحریم‌های اقتصادی دیگر کشورها زده‌اند. در طول جنگ‌ها، دولت‌ها برای کاهش قدرت اقتصادی دشمن، وی را در تحریم قرار می‌دادند. اگر جنگ‌های نظامی اتفاق می‌افتاد، کشورها به تکنیک‌های سنتی تحریم مانند محاصره نظامی روی می‌آوردند. در قرن نوزدهم، پس از اینکه قدرت دریانوردی و نیروی نظامی دریایی افزایش یافت، استفاده از محاصره‌ها نیز افزایش یافت؛ به‌طوری که می‌توانستند برای مدت طولانی قدرت اقتصادی دولتی را هدف قرار دهند و آن را کنترل کنند.

در سال‌های ابتدایی استقلال یافتن آمریکا و هم‌زمان با جنگ‌های ناپلئونی در اروپا، تحریم‌های اقتصادی یکی از اصلی‌ترین اجزای سیاست خارجی ایالات متحده به‌شمار می‌رفت. در بین سال‌های ۱۷۹۴ و ۱۸۰۹، کنگره آمریکا قوانینی را تصویب کرد که برای حفظ امنیت و مصلحت کشور، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را بر کشتی‌ها و ناوها در حمل‌ونقل به آمریکا وضع کرد تا روابط تجاری ایالات متحده با دیگر کشورها را محدودتر کند. در طول جنگ‌های ناپلئونی، انگلستان و فرانسه به‌صورت وسیع از محاصره‌های اقتصادی استفاده می‌کردند. اگرچه تحریم‌های انگلستان هزینه‌های اقتصادی بالایی بر قاره اروپا به بار آورد؛ اما برای اینکه اقتصاد فرانسه را که در بیشتر مواد اولیه و مواد غذایی خود کفا بود، از پای درآورد کافی نبود.

تکنیک جنگ‌های اقتصادی در طول جنگ جهانی اول بیش از همه سال‌های قبل از آن توسعه یافت و ثابت کرد که این تکنیک‌ها بسیار مؤثرند. ویژگی اصلی متفقین در جنگ جهانی اول این بود که آلمان و اتریش را محاصره اقتصادی کردند. پس از اینکه آمریکا نیز وارد این جنگ شد،



شروع به همکاری با دولت انگلستان در ممنوعیت علیه آلمان و کشورهای هم پیمان و دارای رابطه با آلمان کرد. در طول جنگ جهانی دوم نیز، تحریم‌های اقتصادی آمریکا به‌طور اساسی بر کنترل وجوه خارجی و صدور مجوز صادرات به کشورهای بی‌طرف متمرکز بود. همچنین آمریکا فهرست سیاهی را در آن ایام منتشر کرد.

در دوره پس از جنگ جهانی دوم نیز استفاده از تحریم‌های اقتصادی برای وادار کردن برخی کشورها در عقب‌نشینی نیروهای نظامی از مرزهای دیگر کشورها یا دست کشیدن از برنامه‌های نظامی، هسته‌ای و حتی سیاسی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. به‌عنوان مثال آرژانتین طی سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۴ دوبار مورد تحریم‌های انگلستان و آمریکا قرار گرفت. تا قبل از سال ۱۹۸۹ تحریم‌های اعمال شده بر چین بیشتر به دلیل ماهیت کمونیستی حاکم بر آن بوده است که از طریق آمریکا و انگلستان، توأمان اعمال می‌شد. اندونزی طی سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ و ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ دو دوره مختلف تحریم را تجربه کرده است. ترکیه طی سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ تحریم را تجربه کرده است. بهانه تحریم با یک مشکل سیاسی در قبرس آغاز شد. اروگوئه در طی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ تحریم را تجربه کرده است. دولت اروگوئه در سال ۱۹۷۶ متهم به بدرفتاری با زندانیان سیاسی شده بود. کره جنوبی در طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ یک دوره تحریم را تجربه کرده است که بهانه اصلی تحریم، اقدامات هسته‌ای، همانند کره شمالی بوده است.

یک بررسی اجمالی از تاریخ تحریم‌های اقتصادی در سطح جهانی نشان دهنده آن است که دولت آمریکا سهم به‌سزایی در استفاده از سیاست تحریم اقتصادی داشته است. در مجموع حدود دوسوم تحریم‌های اقتصادی جهان تا سال ۲۰۰۰، به وسیله دولت آمریکا اعمال شده است. به همین شکل، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران نیز شدت یافته است که در یک روند کلی، با انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸، روند جدیدی در تحریم ایران آغاز شد. در طول جنگ تحمیلی هم از سوی دشمنان، شدیدترین تحریم‌های نظامی و غیرنظامی علیه ما به اجرا گذاشته شد. در دهه‌های اخیر کشورمان به بهانه‌های واهی، تحریم‌های سخت و ناجوانمردانه گوناگونی، همچون تحریم‌های نفتی، دارویی، هواپیمایی، فناوری، بانکی و بیمه‌ای را تجربه کرده است. هرچند اقتصاد ایران به دلیل تحریم، دچار هزینه‌هایی شد؛ تحریم‌کننده‌ها به اهداف خود نرسیدند. ضمن اینکه این تحریم‌ها منافی برای بخش‌هایی از کشور به همراه داشت و نشان داد که اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای مشابه مقاوم است.

برای تعامل قدرتمند با دیگران، کشورها ناگزیرند میان بهره‌برداری از مزیت‌های موجود از سویی و خلق مزیت‌های جدید، در جهت افزایش استقلال و اقتدار اقتصادی دست به انتخاب بهینه بزنند. این انتخاب به عواملی مانند موقعیت رقبا و میزان اعتمادی که به آنها داریم، موقعیت صنایع داخلی، منابع و امکانات طبیعی و انسانی و نیز وضعیت بازار و قیمت‌ها بستگی دارد.

## فعالیت گروهی در کلاس



ابتدا موقعیت درس را بخوانید و سپس فرض کنید که شما به‌عنوان نماینده تولیدکنندگان کشور، در دولت هستید و دستتان برای حمایت از تولیدکنندگان باز است. فرض دیگر اینکه شما هیچ کمک مالی‌ای به تولید کننده نمی‌توانید بکنید، حال با توجه به این شرایط و آنچه در این درس خوانده‌اید به آقای محمدی کمک کنید. لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

- دو اصل مزیت مطلق و مزیت نسبی و منافع آن را در نظر بگیرید.
- آسیب‌پذیری شرکت‌های تولیدی در صورت کاهش تعرفه‌های وارداتی و آزاد شدن واردات کالاهایی را که آنها تولید می‌کنند، در نظر بگیرید.
- منافی را که از صادرات کالاهای تولید شده، نصیب شرکت‌های داخلی می‌شود در نظر بگیرید.
- منافی را که از واردات کالاهای اولیه نصیب شرکت‌های داخلی می‌شود در نظر بگیرید.
- آسیب‌هایی را که ممکن است از ناحیه وابستگی تأمین نهاده‌های تولید به کشور وارد شود در نظر بگیرید.
- به مدل‌های تبادل غیر پولی بیندیشید.
- از دانش و فناوری بومی غافل نشوید.
- به سازمان‌های تولید که درس دوم گفته شد فکر کنید.

## فعالیت فردی در کلاس



هنگامی که درباره‌ی الگوی مناسب تجارت خارجی فکر می‌کنیم، در واقع در حال یک انتخاب هستیم. چگونه می‌توانیم از منافع تجارت خارجی (اصل مزیت مطلق و مزیت نسبی) بهره‌مند شویم، اما در تأمین نیازهای اساسی مان به دیگران وابسته نشویم؟

## برای تفکر و تمرین



با توجه به اطلاعات هریک از موارد زیر، مشخص کنید که کشور الف دارای کدام یک از مزیت‌هاست: ۱- مزیت مطلق در تولید موز؛ ۲- مزیت نسبی در تولید موز؛ ۳- مزیت مطلق در تولید آناناس؛ ۴- مزیت نسبی در تولید آناناس.

○ کشور الف به ازای هر آناناسی که تولید می‌کند، از تولید ۱۰ موز صرف‌نظر می‌کند؛ کشور ب به ازای هر آناناسی که تولید می‌کند، از تولید ۱۲ موز صرف‌نظر می‌کند.

○ براساس مقادیر یکسانی از منابع تولید، کشور الف می‌تواند سه تن موز و کشور ب می‌تواند دو تن موز تولید کند.

○ کشور الف می‌تواند موزهایی با هزینه فرصت کمتری نسبت به کشور ب تولید کند.

○ براساس مقادیر یکسانی از منابع تولید، کشور ب نمی‌تواند به زیادی کشور الف، آناناس تولید کند.

## تحقیق کنید



کشور مادر گذشته به خاطر وابستگی به درآمدهای نفتی، کشوری تک محصولی به شمار می‌رفت. در دهه‌های اخیر با گسترش دانش‌های فنی و شرکت‌های دانش‌بنیان، تنوع محصولات در صنایع پیشرفته چون زیست فناوری، نانوفناوری، انرژی هسته‌ای، یاخته‌های بنیادین، صنایع موشکی و... رو به گسترش است و درحال حاضر در برخی از این صنایع امکان صادرات محصولات به کشورهای دیگر نیز فراهم شده است. نقش شرکت‌های دانش‌بنیان را در ایجاد و خلق مزیت‌های جدید در کشور و فاصله گرفتن از اقتصاد تک محصولی بررسی کرده و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

## تحلیل کنید



○ از نظر شما، با وجود موانع تجاری، بهترین الگوی تجارت اقتصادی با دنیا، دارای چه ویژگی‌هایی است؟